

A study on the role of social developments in the principles of inference

Abstract

Hillah School of Jurisprudence is the school of jurisprudence of Shiite scholars from the sixth to the late eighth century in the city of Hillah (ancient Babylon) in Iraq. In the present study, descriptive-analytical method and the use of library resources were investigated the factors affecting the growth and development of the Hillah school of jurisprudence. Studies have shown that what led to the formation of the Hillah school of jurisprudence arose through the critical activities of Ibn Idris. These jurisprudential developments continued until the end of the Hillah period. Ibn Idris's new views on jurisprudence and the principles of jurisprudence are centered on rationalism, and this is the dominant theological feature at the beginning of the Hillah school of jurisprudence. Factors of flourishing and evolution of Hillah school of jurisprudence are divided into two categories of socio-political factors and scientific activities. For socio-political events, such as the Shiite background of Hila's scientism and secularism, the political conflict of the Abbasid caliphate with the Mongol sectarian monarchs and later the conflict of emerging governments, the social and commercial position of Hilla, motivational and competitive feedback among religions, especially in Shiite theology. Sunni enumerated the importance and necessity of responding to the needs of civilization and the expediency of Shiite scholars in the face of political events and government positions and affairs. However, in the category of scientific activities, it should be noted that in the development of the seminary of Hillah and before the activities of Ibn Idris, the jurisprudential views of Sheikh Tusi played a role.

Keywords: Hillah School of Jurisprudence, Socio-political factors, Scientific activities, Ibn Idris

پژوهشی در نقش تحولات اجتماعی در مبانی استنباط احکام

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۲/۲۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۶/۶

سیده محبوبه حسینی^۱عدرا انتخابیان^۲سیدمحسن رزمی^۳

چکیده

مکتب فقهی حله، مکتب فقهی علمای شیعه در قرن ششم تا اواخر قرن هشتم در شهر حله (بابل قدیم) عراق است. در پژوهش حاضر به روش توصیفی تحلیلی و استفاده از منابع کتابخانه‌ای به بررسی عوامل مؤثر بر رشد و تحول مکتب فقهی حله پرداخته شد. بررسی‌ها نشان داد آنچه سبب شکل‌گیری مکتب فقهی حله شد، به واسطه فعالیت‌های انتقادی ابن‌ادریس پدید آمد. این تحولات فقهی تا پایان دوران حله ادامه داشت. آراء جدید ابن‌ادریس در فقه و اصول فقه بر محوریت عقل‌گرایی بوده و این همان ویژگی کلامی غالب در آغاز مکتب فقهی حله است. عوامل شکوفایی و تحول مکتب فقهی حله به دو دسته عوامل سیاسی-اجتماعی و فعالیت‌های علمی تقسیم می‌شود. برای دسته حوادث سیاسی-اجتماعی می‌توان مواردی مانند پیشینه شیعی علم‌دوستی و عالم‌پروری حله، درگیری سیاسی خلافتی عباسیان با ملوک الطوائفی مغول و بعداً درگیری دولت‌های نوپدید، موقعیت اجتماعی و تجاری شهر حله، بازخوردهای انگیزشی و رقابتی در میان مذاهب بخصوص در فضای کلامی شیعه-سنی، اهمیت و ضرورت یافتن پاسخ‌گویی به نیازهای تمدنی و مصلحت‌سنجی‌های علمای شیعه در برابر حوادث سیاسی و مناصب و شئون دولتی را بر شمرد. اما در دسته فعالیت‌های علمی باید به این نکته توجه داشت که در رشد حوزه علمیه حله و پیش از فعالیت‌های ابن‌ادریس، آراء فقهی شیخ طوسی نقش داشت.

کلمات کلیدی: مکتب فقهی حله، عوامل سیاسی-اجتماعی، فعالیت‌های علمی، ابن‌ادریس

^۱ دانشجوی دکترا تخصصی فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران

^۲ استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران. (نویسنده مسئول) ozra.entekhabian@gmail.com

^۳ استادیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران. razmi0109@mshdiau.ac.ir

مکتب فقهی حله، مکتب فقهی علمای شیعه در قرن ششم تا اواخر قرن هشتم در شهر حله (بابل قدیم) عراق است. زمانی که بغداد به دست هلاکو سقوط کرد، حوزه‌های علمیه بغداد و نجف و جبل عامل از نشاط افتاد. اما مردم حله از هلاکو امان گرفتند و این شهر به صورت یکی از شهرهای علمی شیعه درآمد. البته فعالیت های علمی و فقهاتی حله از حدود سال ۵۰۰ برآورد می شود یعنی دو یا سه دهه پس از بنای شهر در اواخر قرن پنجم هجری. بسیاری از شیعیان از مناطق اطراف برای تعلم نزد عربی بن مسافر حلی^۱ می رفتند.

اگرچه آغازگر حوزه علمیه حله به عنوان یک مکتب را فعالیت‌های انتقادی ابن ادریس می دانند اما تا پیش از او تا ۱۷ تن از علمای حله را نیز نام برده اند.^۲ از جمله ایشان ابن شهر آشوب مازندرانی است. اولین مهاجرت گسترده طلاب حوزه علمیه از سرزمین های مختلفی مانند هند، فارس، جزیره عربی، شام، ولایات دولت عثمانی و آفریقا به حله را تا قبل از دوران محقق حلی (متوفای ۶۷۶ ق) دانسته اند.^۳ رشد حوزه علمیه حله به طوری بود که در روزگار علامه حلی ۴۴۰ مجتهد و فقیه آنجا می زیستند.^۴ در طول تاریخ مکتب حله، تعداد مجتهدان را تا ۶۰۰ و بیشتر بر شمرده اند.^۵ بدین ترتیب، حوزه علمیه حله که سالها پیش از حمله مغول پایه گذاری شده بود، بعد از فتح بغداد و امان نامه گرفتن مردم شهر از ایلخان مغول، اصلی ترین حوزه علمی شیعه شد.^۶

وجود عالمان نص گرا و مخالف با علم کلام و در رأس آنان سید رضی الدین علی بن طاووس، در کنار وجود عالمان نامداری چون ابن میثم بحرانی و علامه حلی در مدرسه خواجه نصیر طوسی موجب شد تا هر دو رویکرد نص گرایی و عقل گرایی در حله رواج یابد و این دو روش با هم تلفیق شود. هرچند گروه دوم توانستند بر روش نص گرایان غالب آیند. اوج این عقل گرایی در آثار خواجه نصیر است که با استفاده از اصطلاحات و قواعد فلسفی و استناد به براهین عقلی در کتاب «تجرید الاعتقاد» آن را به اوج و کمال رساند و علامه حلی نیز با «کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد» به تحکیم و تثبیت آن کمک شایانی نمود. برخی از محققان از این تمایز با عنوان «رشد عقل گرایی در برابر اخباری گری» نام برده اند که در اصطلاح چندان صحیح نیست. مکتب فقهی حله دیدگاه انتقادی به روش میراث فقهی گذشته دارد و در بسیاری از مسائل

۱. متوفای پس از ۵۸۰ ق.

۲. ابن ادریس حلی، السرائر، ج ۱، ص ۳۴: «انی لما رأیت زهد اهل هذا العصر فی علم الشریعة المحمدیه و الأحکام الاسلامیه و تذاقلهم عن طلبها...».

۳. عیسی الحکیم، مدرسه الحلة العلمیة و دورها فی حركة التاصیل المعرفی، ص ۲۰-۲۵. آقا بزرگ طهرانی، طبقات اعلام الشیعه، القرن السابع، ص ۱۶۲. امین، اعیان الشیعه، ج ۲۶، ص ۳۸۰ و ۳۸۱. الخوانساری، روضات الجنات، ج ۲ ص ۱۸۰.

۴. عیسی الحکیم، مدرسه الحلة العلمیة و دورها فی حركة التاصیل المعرفی، ص ۸۳.

۵. ابن مشهدی، المزار الکبیر، ص ۵۶۶. بحرانی، لؤلؤة البحرین، ص ۲۳۰. حموی، معجم البلدان، ج ۲، صص ۳۲۷-۳۲۸.

۶. الدجیلی، الاعلام العرب فی العلوم و الفنون؛ ج ۲، ص ۳۳.

۷. افندی اصفهانی، ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، ج ۱، ص ۳۶۱. امین، دائرة المعارف الاسلامیة الشیعیة، ج ۱۱، صص ۱۵۶ و ۱۵۷.

۸. جبرئیلی، سیر تطور کلام شیعه، صص ۲۷۹-۲۸۹، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۵ ش.

فقهی این دیدگاه بروز و ظهور دارد مانند ابن ادریس حلی با نظرات شیخ طوسی بویژه در بحث حجیت خبر واحد.^۱

مهم‌ترین تحول و تمایز فقهی حله، تنقیح مناط به نظر می‌رسد. این بحث از آن زمان تا کنون مهم‌ترین یا یکی از مهم‌ترین مسائل فلسفه فقه نیز به شمار می‌رود. گرایش به توسعه ادله لُبّی، توجه به تفاوت بین قیاس ظنی و قیاس قطعی تام العله، نفی حجیت خبر واحد است. البته در این نگاه می‌توان گفت که تنقیح مناط از گذشته تا کنون به دلیل احساس نیاز به پاسخگویی فقه برای مسائل روز بخصوص مسائل مستحدثه بوده است. از سوی دیگر اجماع طایفه^۲ که در فقه گذشته بغدادی، به عنوان عامل هدایت‌کننده به کار گرفته می‌شد و با یاری رساندن به مضامین ظواهر کتاب‌الله، یا اخبار آحاد آن‌ها را برای بغدادیان از حکم دلیل ظنی به سمت دلیل قطعی خارج می‌ساخت، در فقه حله با تضعیفی شدید مواجه گشت و بر اندک بودن کارآیی آن تأکید شد.^۳

همچنین گسترش بحث‌های فقهی مقارن بین شیعه و سنی در حاشیه مباحث کلامی مقارن، عوامل درونی و بیرونی بسیاری داشت. تبویب، فصل‌بندی و ایجاد ساختارهای قابل دفاع در فقه شیعه به عنوان جلوه‌ها و شاخص‌های مباحث مقارن حله تلقی می‌شود. از سوی دیگر فقهای حله بخصوص علامه حلی توانستند با پیروی از روش فقهی شیخ طوسی، موضوع‌بندی محقق حلی و با بهره از تسلط خود بر قواعد فقهی، فقه تفریعی را در کنار کلام و حدیث، کمال بخشند.^۴

وجود نظم دقیق بر کتاب‌های فقهی فقهای حله، نثر روان و ساده، تفکیک مسائل ابواب فقهی به دو بخش عبادات و معاملات، تفکیک انواع احادیث و دسته بندی احادیث به حدیث حسن، ضعیف، صحیح و موثق از جمله ویژگی‌های آثار مدون این دوره است.^۵ همچنین محقق حلی در شرائع الاسلام روشی را در تنظیم ابواب منابع فقهی پایگذاری کرد. او همه ابواب فقه را در چهار بخش عبادات، احکام، عقود و ایقاعات دسته بندی کرد. این سبک و سیاق تا کنون باقی و رایج است.^۶

مهم‌ترین دلیل اهمیت پرداخت به ویژگی‌های مکتب فقهی حله این است که می‌توان با شناخت همه جانبه این تمایزات، از میراث این مکتب برای رشد کیفی و کمی فقه در عصر حاضر بهره برد. تحقیق حاضر بر آن است که عوامل مؤثر بر رشد و تحول مکتب فقهی حله را بررسی فقه‌ای کند. آثار مشابه، این مسأله را به صورت هدفمند بررسی نکرده‌اند یعنی یک دسته از آثار صرفاً فقهی هستند و تطبیق گزارهای تاریخی و

۱. گرجی، تاریخ فقه و فقها، صص ۲۲۷-۲۲۹. مؤسسه سمت، تهران، ۱۴۲۱ ه.

۲. میرزای قمی، قوانین الاصول، ج ۱، ص ۱۶۸ و ج ۲، ص ۸۵. حکیم، الاصول العامّة للفقّه المقارن، ج ۱، ص ۳۰۱. وندنوروز، علل ورود تنقیح مناط به مذهب امامیه، مجله پیک نور، شماره ۲۱، زمستان ۱۳۸۶ ش. بهبهانی، الفوائد الحائریّة، ج ۱، ص ۱۴۷-۱۴۸.

۳. علامه حلی، کشف القناع، ص ۱۳. محقق کرکی، جامع المقاصد، ج ۱۲، ص ۶۵. میرزای قمی، همان، ج ۱، ص ۱۶۹.

۴. گرجی، تاریخ فقه و فقها، صص ۲۲۷، ۲۲۹.

۵. استرآبادی، الفوائد المدنیّة، ص ۸۷ و ۸۸.

۶. محقق حلی، شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، ج ۱ ص ۹.

جغرافیایی را نیاورده‌اند و دسته دیگر با نگاه غالباً تاریخی به تو صیف تحولات اجتماعی و تجدید و نوآوری علمی فقها پرداخته‌اند اما در ادله و نظرات فقهای حله، تحلیل فقهی و اجتهادی ارائه نداده‌اند. بنابراین در پژوهش حاضر به روش تو صیفی تحلیلی و استفاده از منابع کتابخانه‌ای به بررسی عوامل مؤثر بر رشد و تحول مکتب فقهی حله پرداخته می‌شود.

عوامل مؤثر بر رشد و تحول مکتب فقهی حله

۱. عوامل سیاسی و اجتماعی

از ابتدای تاسیس حله، ساکنان و امرای حله، مردمی علم‌دوست بودند. امرای آل مزید مذهب شیعه داشتند.^۱ مسیر عبور کاروان‌های تجاری و کاروان زوار خانه خدا از شرق جهان اسلام سبب ترقی موقعیت فرهنگی اجتماعی بیشتر حله شده بود. رواج شعر و شاعری و رشد ادبیات و از همه مهم‌تر وجود چهره‌های مشهور علمی مانند ابن حمیده نحوی، ابوالبقاء حلی،^۲ ابن سنان خفاجی،^۳ و ابن مکی نیلی^۴ به این موقعیت کمک می‌کرد.^۵

پس از استقرار امنیت و رونق علمی حله، طلاب و علمایی از سراسر جهان از جمله جزیره العرب، هند، فارس، شام، ولایات دولت عثمانی و آفریقا به حله آمدند. در زمان سلطان اولجاتیو یعنی در زمان علامه حلی، امور حله بر عهده آل مهنا بن عیسی افتاد و سپس خاندان جوینی تصدی عراق و بغداد را بر عهده داشتند. حکومت خاندان جوینی به پیشرفت و توسعه تشیع بخصوص در حله کمک فراوانی کرد. پس از خاندان جوینی، جلائریون قوت را به دست گرفتند. این حکومت نیز تشیع را برگزید. حله پس از آن، حکومت‌های تیموریان و قره‌قویونلوها را تجربه کرد. برای مثال در سال ۶۹۸ هجری سلطان ایلخانیان از حله دیدن کرد و اموال زیادی میان مردم شهر پخش کرد و دستور داد آبراهه ای من شعب از فرات در شمال حله تا مرقد امام حسین در کربلا حفر شود که به نهر غازانی معروف شد.^۶

امنیت و رونق علمی حله با فتح حله توسط تیمور کمرنگ شد. حکومت حله تا سال‌های آغازین قرن نهم بارها میان خاندان جلائریان و تیموریان عوض شد. این درگیریها سبب از بین رفتن رونق اقتصادی، بسته شدن بیشتر راه‌های تجاری، کمرنگ شدن راه‌های تعامل فرهنگی، ناامنی حله و تضعیف فضای علمی آن شد.

^۱ (ابن الاثیر الكامل فی التاریخ: ۸: ۲۴۵، خوانساری، روضات الجنات: ج ۲: ۲۷۰) یوسف کرکش، تاریخ الحله ج ۲ ص ۸

^۲ ۵۵۰ ق

^۳ ۵۶۵ ق

^۴ ۵۵۷ ق

^۵ ۵۶۵ ق

^۶ حسن الحیکم، مدرسه الحله العلمیه، ۳، ابن خلکان، وفيات الاعیان، ۲: ۳۳، یوسف کرکوش، تاریخ الحله، ج ۲ ص ۴-۸، یاقوت

حموی، مجمع الادباء، ج ۱۷، ص ۲۶۴، جبار کاظم ملا، التاویل و التجدید فی المدرسه الحله، ص ۹۳-۹۷

^۷ عبدالله سودانی، الشعر العربی فی ظل الأماره المزیدیة (۴۰۳ - ۵۴۵ق، منشورات جامعه بابل، ۱۹۹۹م: ۶۳

^۸ ابن الفوطی، ۱۳۸۱: ۵۳۸

این اتفاقات از زمان وفات فخرالمحققین یعنی از حدود سال ۷۷۱ قمری تا انتهای قرن نهم را در بر می‌گیرد.^۱

۳۲

از سوی دیگر با فروپاشی عباسیان، بار دیگر فرصت گفتگوی میان مذاهب در سرتاسر بلاد اسلامی بخصوص در حله بوجود آمد. گلمای حله با درک این مسأله‌ی روز، فضای گفتگو را در قالب فقهی و کلامی رونق بخشیدند تا آنجا که از شهر حله در زمان علامه به «کوفه صغری» یاد می‌کنند. دلیل این نام گذاری نشر عقاید و گسترش نفوذ شیعه بود. در عین حال، حله آن زمان را دارالهجره نیز می‌خواندند زیرا علما و متفکران سایر مذاهب و ادیان به خاطر آزادی اندیشه در آن به آنجا هجرت می‌نمودند. بزرگان مذاهب و ادیان مانند برهان الدین نسفی، عمر الکتابی، حسین بن ابان نحوی، عزالدین فاروقی در آنجا فرصت راه اندازی کرسی تدریس یافتند.^۶

تمدن حله در زمان محقق حلّی و علامه به اوج خود رسیده بود اما در زمان علامه پیشرفت بیشتری داشت. از حوادث علمی مشهور و با اهمیت در کلام شیعه و عامه، مناظره‌های علمی مکتوب میان علامه حلّی و ابن تیمیه است. این مناظرات و حواشی آن، هم ارزش روش گفتگوی علمی و هم غنای محتوای معارف شیعه را معرفی کرد.

۲. عوامل علمی

از زمان مدرسه بغداد تا زمان مدرسه حله در قرن ششم، علم اصول فقه به عنوان یکی از «اصولین» در کنار کلام دنبال می‌شد. با این حال رشته علمی غالب تا قبل از ظهور حمّصی رازی، فقه بود و کلام در حاشیه قرار داشت. حمّصی بود که کلام را در میان متکلمان و فقها رواج داد و مکتب کلامی حله متقدم را تاسیس نمود. از زمان حمّصی گرایش‌های کلامی (مبانی فکری) حله به اعتبار تاثیر از جریان‌های کلامی گذشته به چهار جریان تقسیم می‌شود:

جریان اول: مکتب کلامی حله متقدم

سدیدالدین حمّصی رازی یک چهره مهم مدرسه کلامی ری با گرایش اعتزالی بود. هنگام مراجعت از سفر حج و گذر از حله، به درخواست علمای بزرگ این شهر از جمله ابن ادریس و ورّام بن ابی فراس کرسی

^۱ محقق ثانی، علی بن حسین، جامع المقاصد، ج ۱، ص ۲۱، مؤسسه آل البیت (علیهم‌السلام)، قم. عبدالرضا عوض، الحله و حکامها، ۳۴، یوسف کرکش، تاریخ الحله، ۱: ۹۱-۱۰۰ و ۲: ۹۹، عوض، عبدالرضا، الحوزة العلمية الحله نشأتها و انکماشها، ص ۲۹، رک: حلّی، قسم ۱، ص ۱۰۸-۱۰۰

^۲ (خوانساری، ج ۱، ص ۷۳-۷۴؛ حلّی، قسم ۱، ص ۱۰۸-۱۱۲)

^۳ محمد هلیل الجابری، المشعشون، ۳۹، حسن الحکیم، مدرسه العلمية الحله، ۳۵۰، التاصیل و التجدید، ۱۲۶

^۴ مقاله نقش متکلمان امامیه

^۵ کاشانی، ۱۳۸۴، ۱۰۸

^۶ حسن الحکیم، مدرسه الحله العلمية، ۱۷۹، شیخ یوسف بحرانی، لؤلؤة البحرين، ۲۲۶، بلاسم عزیز شیبیب، الجهد الاصولی عند العلامة الحلّی، ۳۵، التاصیل و التجدید، ص ۱۱۴

^۷ مقاله جریان‌های فکری مدرسه کلامی حله ص ۱، حسین پوری، امین، ۱۳۹۰، اندیشه شناسی محدثان حله، ۳۰-۳۱، قم: دارالحدیث، سبجانی، ۱۳۹۴، سلسله نشست‌های تاریخ کلام امامیه، سایت سخن تاریخ: www.sokhanetarikh.com

درس در حله تشکیل داد و مدتی را به تدریس کلام برای طلاب و علمای حله از جمله خود ورام بن ابی فراس گذراند. در این مدت کتاب «المنقذ من التقليد» و «المرشد الی التوحید» (التعلیق العراقي) را املا کرد. آموزه‌های او تاثیر زیادی بر آراء کلامی و فقهی مکتب حله گذاشت. فعالیت‌های کلامی فقه‌های بزرگی مانند سدیدالدین بن و شاح، محقق حلی، مفیدالدین محمد بن جهیم اسدی^۱ و یوسف بن مطهر پدر علامه حلی در امتداد و تکمیل روش علمی او بوده است. ارزش آموزش‌های حمصی برای حله آن قدر بود که آموزه‌های کلامی ۷۷۷ را از حاشیه فعالیت‌های علمی حله به متن آورد، به طوری که او را آغازگر و مؤسس مکتب کلامی حله می‌دانند.^۳

جریان دوم: مکتب کلامی-فلسفی حله متاخر

بهره متکلمان از فلسفه در دوره متاخر کلامی حله بیشتر شد. آنان علاوه بر استفاده از اصطلاحات و ادبیات فلسفی، به قواعد فلسفه مشاء نیز استناد می‌کردند تا آنجا که روش متکلمان به حاشیه رفت. متکلمان در ادامه حله، مباحث جایگزین کلام لطیف کردند که در دو اثر تجرید العقائد و شرح آن یعنی کشف المراد دیده می‌شود. این روش از خواجه نصیر، ابن میثم بحرانی،^۴ علامه حلی و شاگردان علامه از جمله قطب الدین رازی، فخر المحققین، شهید اول و بخصوص فاضل مقداد تا پایان حله و بعدا تا صفویه و قبل از فعالیت‌های علمی فیاض لاهیجی ادامه یافت.^۵

علامه در میان چهار گروه کلام امامیه، اشاعره، معتزله و فلاسفه مشاء قرار دارد. او سعی می‌کند موارد اشتراک مکتب امامیه با سه گروه دیگر را با استدلال عقلی تبیین کند. با این حال در موارد اختلاف و تباین، آراء امامیه را با ادله نقلی و استدلال عقلی ترجیح می‌دهد.

علامه آثار زیادی در علم منطق نیز دارد از جمله «الجواهر النضید فی شرح منطق التجرید»، «القواعد الجلیه فی شرح الاشمه سیئه»، «الاسرار الخفیة فی العلوم العقلیه»، «الدر المکنون فی علم القانون» و «نهج العرفان فی علم المیزان». گرایش فلسفی او در این آثار نیز بروز دارد، زیرا هم در مباحث حجت مانند استدلال مباشر و غیر مباشر و هم در مباحث معرفت مانند حد و رسم و شکل، منطق ارسطویی را منتج می‌داند و انتقاد خاصی به آن وارد نمی‌کند، بلکه در آثار فلسفی و کلامی خود از آنها بهره می‌برد.^۶

شاگردان علامه کلام معتزله را بر همان منهج اعتزالی دنبال کردند. گرایش ابن میثم به فلسفه مشاء ویژه است. مثلاً هم نظر با فلاسفه، مناظ نیاز ممکن به مؤثر را امکان می‌داند.^۷ بر خلاف متکلمان، قدرت واجب را به خواست خودش می‌داند همچون کسی که قادر است اگر بخواهد فعل را ترک می‌کند یا انجام می‌دهد.

^۱ ۵۳۲-۵۱۵ق

^۲ م ۵۱۳ق

^۳ حمصی رازی، ۱۴۱۴ق، ۱: ۱۷-۱۸ ابن طاوس، سید رضی الدین، فرج المهموم، ص ۷۵، جبرئیلی، ۱۳۸۹، ۲۷۰-۲۷۱، افندی،

۱۲۳۱ق، ۲: ۲۱۲، مجلسی، ۱۴۰۶ق؛ ۶۰: ۱۰۷؛ حر عاملی، ۱۳۶۲، ۲: ۲۵۴، جبرئیلی، ۱۳۸۹، ۲۷۰-۲۷۱

^۴ (م ۶۹۹ق)

^۵ مقاله نگاهی به ادوار... ص ۲۹

^۶ مقاله نقش متکلمان...

^۷ ابن میثم، ۱۴۰۶، ص ۴۸ و ۶۳ و ۸۳

مباحث نبوت را همانند منهج فلاسفه به مطالب «ما و هل و لم و کیف و من» تطبیق داده است. با این همه ابن میثم یک متکلم است، در روش و محتوای استدلال‌های عقلی تلاش دارد مواضع آیات و روایات را تحکیم بخشد.^۱

جریان سوم: حدیث‌گرایی

مهم‌ترین اصول فکری متکلمان مکتب فکری کلام نقلی حدیث‌گرا حله سه اصل است: ۱. مرجعیت روایات برای کشف و تبیین معارف دینی، ۲. حجیت خبر واحد در مسائل اعتقادی و همت عملی به تبیین مسائل کلامی بر اساس روایات. ۳. به هنگام تعارض دلیل عقلی و نقلی، دلیل نقلی، تقدیم و ترجیح داده می‌شود. یکی از مهم‌ترین مسائل کلامی اختلافی میان متکلمان عقل‌گرا و حدیث‌گرا در طول تاریخ، بحث حجیت خبر واحد بخصوص در مسائل اعتقادی است.^۲

خاندان پر افتخار ابن طاووس، بویژه شخصیت مشهور و ممتاز آن جمال الدین سید علی بن طاووس ضمن تاکید بر حدیث‌گرایی، بر روش متکلمان آن روز جهان اسلام تاختند. سید بن طاووس، کلام را در بغداد و مکتب حله آموخته بود. بخشی از کتاب مناہج ابن و شاح را نزد او فراگرفته بود. ^۳ او به دانش کلامی خود در کشف المحجۀ لثمرۀ المحجۀ تصریح و تاکید دارد.^۴

جریان حدیث‌گرای حله را نمی‌توان گرایش نظیر اخباری‌گری دانست؛ در آثار شخصیت‌های برجسته آن، مبانی و مصادیق گسترده از استدلال‌های عقلی در کنار مستندات نقلی وجود دارد. ^۵ سید بن طاووس روش استدلال عقلی متکلمان را از پایه رد نمی‌کند بلکه می‌گوید متکلمان آنچه خداوند و رسولش برای معرفی مولا و مالک آنها تسهیل کرده است را بر مردم تنگ و سخت کرده‌اند. آنگاه نود و پنج مسأله اختلافی از علم اصول عقاید که در آثار متکلمان بزرگی مانند شیخ مفید و سیدمرتضی آمده است را شاهدهی بر این پیچیدگی روش متکلمان می‌آورد. ^۶ سید میان روش بزرگان معتزله با انبیاء این گونه مقایسه می‌کند که معتزله همچون کسی هستند که می‌خواهد اثبات نماید در جهان آتش وجود دارد، برای اثبات آتش مقدمات فراوان تدارک می‌بیند، اما در نهایت همان چیزی را اثبات می‌کند که مردمان همه در خانه خود دارند و دیده‌اند. پس سزاست که چنین کسی را گمراه کننده بدانیم نه هدایت‌گر. ^۸ او تنبیه بر امور فطری را همان فهم دین در آموزه‌های پیامبران و ائمه می‌داند. به نظر او این روش، به مثابه دلیل عقلی و از همان سنخ است.^۹

^۱ ابن میثم، میثم، ج ۱، صص ۶۳ و ۸۲ و ۱۲۱ و ۱۳۹-۱۴۴، قواعد المرام فی علم الکلام، به کوشش احمد حسینی، قم، ۱۳۹۸ق،

طریحی، فخرالدین، ج ۶، ص ۱۷۲، مجمع البحرین، به کوشش احمد حسینی، تهران، مکتبه المرتضویه

^۲ مقاله‌نگاهی به ادوار مکاتب کلام امامیه در قرون میانه، آینه پژوهش ... ص ۱۲

^۳ کلبرگ، ۱۳۷۱

^۴ سید بن طاووس، ۱۴۱۷ق: ۵۹، سید بن طاووس، کشف المحجۀ لثمرۀ المهجه، ج ۱، ص ۱۰ - ۳۳

^۵ سید بن طاووس، ۱۴۱۷: ۵۴ و ۷۰

^۶ سید بن طاووس، ۱۴۱۷ق: ۶۴

^۷ سید بن طاووس، ۱۴۱۷: ۴۸

^۸ سید بن طاووس، ۱۴۱۷ق: ۶۵

^۹ سید بن طاووس، ۱۴۱۷ق: ۶۴

عرفان و گاهی تصوف در حله از جریان‌های کلامی اعتزال‌گرا و حدیث‌گرا انشعاب گرفت. بسیاری از متکلمان، فلاسفه و محدثان حلی، پنهان و پیدا، در میان آثار خود، آموزه‌هایی از عرفان و تصوف را ستوده‌اند. گاهی از تأویلات صوفیانه و همچنین تعالیم اخلاقی و زهدگرایانه منقول از صوفیه در تبیین آراء اعتقادی خود بهره می‌برند. در آستانه حله، جریان بزرگ و خاصی از عارفان دیده نمی‌شود ولی اندیشه‌های ابوالفتوح رازی، مفسر شیعی قرن پنجم و ششم قمری، در میان حلیان مؤثر بود. بهره‌هایی که ابوالفتوح در تفسیر خود از کلمات صوفیه می‌برد به استفاده علمای بغداد تا حله می‌رسد و جریان تلفیقی در حاشیه کلام امامیه پدید می‌آورد.^۱

حتی خواجه نصیر هم آراء بسیاری از صوفیه را به فضای علمی امامیه وارد کرده و رواج داد او عرفان را مرتبه‌ای بالاتر در معرفت دینی می‌دانسته و چنان به عرفان دلبسته بوده است که در کتاب کلامی «الفصول» پس از تبیین و توضیح مسائل توحیدی با روش عقلی و کلامی به سطح بالاتری از معرفت دینی که همان معرفت عرفانی است می‌پردازد.

چهره کلامی و فلسفی دیگر حله که به ترویج تصوف پرداخته، ابن میثم است. در شرح نهج البلاغه ابن میثم آن قدر به آراء صوفیه استناد شده و عبارات امیرالمؤمنین علیه‌السلام به تاویل عرفانی رفته است که سید نعمت‌الله جزائری در کتاب «الجواهر الغوالی» ادعا می‌کند این تاویلات نه تنها با ظواهر حجت شریعت سازگار نبوده بلکه دیدگاه شخصی ابن میثم هم نیست بلکه صرفاً نقل کلمات حکما و صوفیه است. با این حال آراء عرفانی ابن میثم در کتاب «شرح اشارات الواصلین» به تمام و کمال آمده است.^۲

تصوف حله در اندیشه و آثار سید حیدر آملی به اوج خود رسید. او تا سی سالگی در آمل تحصیل کرد اما از آن به بعد دچار تحول روحی شده به تزکیه نفس، خرقه پوشی و سفر روی آورد.^۳

۳. فعالیت‌های فقهی علمای حله

فعالیت فقهی علمای حله به عنوان سومین دسته از عوامل مؤثر بر مکتب فقهی حله به حساب می‌آید. این عامل بیشتر دورنی است و چندان متأثر از مکاتب خارج از حله تلقی نمی‌شود. در ادامه، ادوار فقهی مکتب حله و سپس محورهای ویژه همت علمای حله در فقه بحث می‌شود.

اول؛ دوره فعالیت‌های نو انتقادی: ابن ادریس را بخاطر نوآوری‌های فقهی، مؤسس مکتب فقهی حله می‌دانند. نوآوری‌های ابن ادریس تا آنجا پیش رفت که فقهای امامیه اساساً به دو دسته طرفداران شیخ طوسی و

^۱ جوادی، ۱۳۸۴: ۱۴۱-۱۸۵، افندی اصفهانی عبدالله، ریاض‌العلماء، ج ۲، ص ۱۵۸، به کوشش احمد حسینی، قم، ۱۳۶۲ش،

۱۴۰۱/ق ۱۹۸۱م

^۲ احسایی، ۱۴۰۵: ۱: ۱۱، بحرانی، بی‌تا: ۳۱-۳۳

^۳ آملی: ۱۴۲۸ق: ۱: ۵۲۸-۵۳۱، آملی، ۱۳۶۸: ۴۹۲-۴۹۸

طرفداران ابن ادریس تقسیم شده بودند. اگر تمایز و نوآوری خاص و گسترده را وجه تاسیس مکتب بدانیم، دیگر وجهی باقی نمی‌ماند که افراد دیگر مانند حسین بن عقیل بن سنان خفاجی حلبی را مؤسس مکتب فقهی حله بدانیم. اگرچه در تاسیس مکتب کلامی حله نام حمصی رازی مطرح است اما کسی که پس از چند قرن با نقد آراء شیخ طوسی و تالیف کتاب السرائر، آراء فقهی جدید در تاریخ فقه شیعه مطرح نمود ابن ادریس است.^۴

دوم؛ دوره شکوفایی فقه: محقق حلی از برجسته ترین چهره‌های فقهی عصر شکوفایی فقه حله است. او را برترین فقیه زمان خود می‌دانند. کتاب «شرائع الاسلام» از او حیث محتوا و تبویب، نقطه عطفی در فقه امامیه است و تا امروز رقیب یا جایگزین درسی کتاب «النهایه» شیخ طوسی قرار گرفته است. کتاب «معارج الاصول» او نیز جایگاه کتاب «الذریعه» شریف مرتضی و «عده» شیخ طوسی را از آن خود کرد. شاید مهم‌ترین تاثیر محقق حلی در فقه شیعه، رواج عقاید فقهی و اصولی در میان شاگردان و به طور کلی در جریان غالب حله و تشیع آن زمان بود. بسیاری از فقهای نامی شیعه بر منهج و شاگردی او بودند مانند فاضل آبی، ابن داود حلی، علامه حلی، ابن وشاح اسدی، یوسف بن فهد الشامی.^۵

سوم؛ دوران تکامل فقه: دوره بعدی مکتب فقهی حله، عمدتاً بر محوریت علامه حلی است. وی چهره ممتاز سراسر مکتب فقهی حله است و در فقه امامیه از او علامه (به طور مطلق) یاد می‌کنند. گاه دوره‌های فقه امامیه را به قبل و بعد از علامه حلی تقسیم می‌نمایند. تلاش‌ها و گرایش‌های جدید فقهی، دست کم تا قرن ها، چیزی جز توسعه منهج محقق حلی و علامه نبوده است. علامه به طور گسترده از تنقیح مناط استفاده می‌کند و بسیاری از آراء فقهی اهل سنت را بر پایه قیاس و رد می‌کند. تبحر علامه تنها در فقه نبود بلکه در تمامی علوم اسلامی آن زمان صاحب نظر و تالیف و کرسی تدریس بود.^۶

چهارم؛ دوران افول: دوره افول مکتب فقهی حله از وفات فخر المحققین یعنی ۷۷۱ هجری قمری، آغاز شد. در این دوران مکاتب دیگری مانند نجف اشرف و جبل عامل شکل گرفت. در انتهای قرن نهم هجری اساساً مدرسه علمیه حله به پایان رسیده بود. در کنار عوامل اجتماعی و سیاسی، افول فعالیت‌ها و کاهش نوآوری های فقهی علما، عامل دیگری برای به پایان رسیدن مکتب حله و پیدایش مکتب جبل عامل و نجف بود.^۷

^۱ ابن ادریس حلی، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، ج ۱، ص ۶۶، قم ۱۴۱۰-۱۴۱۱. مقاله مهدوی‌راد، محمدعلی، تطور فقه شیعه و جایگاه سرائر در آن، ج ۱، ص ۲۳-۲۴، محمد باقر صدر، المعالم الجدیدة للاصول، ص ۷۲ و حسن الحکیم، مدرسه الحله العلمیه، ص ۴۰

^۲ ۵۵۷ق

^۳ طباطبایی، سید عبدالعزیز، معجم اعلام الشیعه، ۱۴۱۷ق، ۱:۱۷۴، قم: مؤسسه آل البيت

^۴ التاصیل و التجدید ص ۱۰۲، حسم الحکیم، مدرسه الحله العلمیه، ص ۳۸

^۵ امین، اعیان الشیعه، ۱۴۰۶ق، ج ۴، ص ۸۹

^۶ ۷۱۱ق

^۷ ابن داود حلی، کتاب الرجال، ۱:۷۲، رجاء محمد جاد حبیب، المحقق الحلی و آراؤه الفقهیه، ۴۴، التاصیل و التجدید، ص ۱۱۰

^۸ کتاب المکاسب، شیخ انصاری، ج ۱، صص

^۹ حسن الحکیم، مدرسه الحله العلمیه، ص ۱۷۷-۱۷۹، بلاسم عزیز شیب، الجهد الاصولی عند العلامة الحلی، ۳۹۳

^{۱۰} حسن الحکیم، مدرسه الحله العلمیه، ص ۳۵۰-۳۵۴، آقابزرگ تهرانی، طبقات اعلام الشیعه قرن ۸، ۵۳ و ۱۳۴، علامه حلی الاجازة الکبیره، ج ۲ ص ۴۵ یا به نقل از بحار به آدرس پیشتر

حوادث مهمی در حوزه علمیه نجف بر اثر افول علمی رخ داد مانند هجرت برخی از شاگردان فخر المحققین به نجف، بازگشت زعیم فقهی حله یعنی شهید اول به سرزمین جزین در جبل عامل و هجرت فاضل مقداد به نجف اشرف در ابتدای قرن هشتم هنگامی که پس از وفات شهید اول زعامت فقهی حله به او رسیده بود.^۱

، محمدباقر خوانساری، روضات الجنات، ۶: ۳۷۷، عبدالله افندی، ریاض العلماء: ۱: ۳۶۰، التاصیل التجدید، ص ۱۱۸، آقابزرگ تهرانی، الذریعه الی تصانیف الشیعه، ۱۸: ۶۰

^۱ شیخ عباس قمی، الفوائد الرضویه، ۲۲۷، محسن امین عاملی، أعیان الشیعه، ۳۷: ۱۷۱، شیخ آقابزرگ تهرانی، الذریعه، ۴۱۵: ۲، یوسف کرکوش، تاریخ الحله، ۱: ۱۳۶، التاصیل و التجدید، ص ۱۲۱، افندی اصفهانی، ج ۵، ص ۲۱۶؛ موسوعه طبقات الفقهاء، ج ۹، ص ۲۸۴-۲۸۶، فاضل مقداد، التنقیح الرائع، مقدمه، ص ۳۲.

هدف از پژوهش حاضر بررسی عوامل مؤثر بر رشد و تحول مکتب فقهی حله می باشد. در لغت حله به معنای منزلگاه است که سلسله بنی مزید در آنجا منزل گرفته و حلول کردند، از همین رو آن را الحله المزیديه نیز می خوانند. حاکمان بنی مزید و حاکمان بعد از ایشان و مردم آنجا شیعه اثنی عشری بودند. به لحاظ جغرافیا، این شهر در قسمت مرکزی عراق که گفته می شود سیف الدوله صدقه بن منصور مزیدی در اواخر قرن پنجم آن را بنا کرد. حله نزدیک ویرانه های شهر قدیم بابل، در حدود هشتاد تا نود کیلومتری جنوب شرقی بغداد، در مسیر مستقیم شهرهای کوفه و نجف به بغداد و در حدود پنجاه کیلومتری مشرق شهر کربلا قرار دارد و امروزه مرکز استان بابل است. فعالیت های علمی و فقهاتی حله از حدود سال ۵۰۰ برآورد می شود یعنی دو یا سه دهه پس از بنای شهر در اواخر قرن پنجم هجری. بسیاری از شیعیان از مناطق اطراف برای تعلم نزد عربی بن مسافر حلی می رفتند.

بررسی ها نشان داد عوامل شکوفایی و تحول مکتب فقهی حله به دو دسته حوادث سیاسی-اجتماعی و فعالیت های علمی تقسیم می شود. برای دسته حوادث سیاسی-اجتماعی می توان مواردی مانند پیشینه شیعی علم دوستی و عالم پروری حله، درگیری سیاسی خلافتی عباسیان با ملوک الطوائفی مغول و بعدا درگیری دولت های نوپدید، موقعیت اجتماعی و تجاری شهر حله، بازخوردهای انگیزشی و رقابتی در میان مذاهب بخصوص در فضای کلامی شیعه-سنی، اهمیت و ضرورت یافتن پاسخ گویی به نیازهای تمدنی و مصلحت سنجی های علمای شیعه در برابر حوادث سیاسی و مناصب و شئون دولتی را برشمرد.

اما در دسته فعالیت های علمی باید به این نکته توجه داشت که در آغاز رشد حوزه علمیه حله و پیش از فعالیت های ابن ادریس، آراء فقهی شیخ طوسی سیطره داشت. عقل گرایی مکتب کلامی بغداد، با ابن ابی عقیل و ابن جنید اسکافی آغاز و به دست شیخ مفید متحول شد و توسط سید مرتضی به اوج رسید اما اندیشه های متفاوت ابن جنید، شیخ مفید، ابن عقیل و سید مرتضی در فقه در حاشیه قرار داشت. آنچه سبب شکل گیری مکتب فقهی حله شد، تحول و تغییر آن از این دوران بود که به واسطه فعالیت های انتقادی ابن ادریس پدید آمد. این تحولات فقهی تا پایان دوران حله ادامه داشت. آراء جدید ابن ادریس در فقه و اصول فقه بر محوریت عقل گرایی است. این همان ویژگی کلامی غالب در آغاز مکتب فقهی حله است که با ظهور سدید الدین حمصی و با رشد کلام اعتزالی با تاکید بر آراء ابوالحسین بصری پدید آمد.

از این رو می توان گفت که ابن ادریس تا حد زیادی متأثر از عقل گرایی اعتزالی، مکتب فقهی حله را تاسیس نمود. عقل گرایی استدلالی در فقه در دوره های بعدی حله نیز رواج داشت. منظور از این عقل گرایی استدلالی، عینا و دقیقا همان عقل گرایی اعتزال یا مشائیه نیست، زیرا متکلمان و فقهای حله، نقدهای گسترده ای به مبانی اندیشه ای معتزله و فلاسفه مشاء داشتند.

رشد «رای» و تفقه اجتهادی حتی در میان اغلب حدیث گرایان حله، نشان از تاثیر این عامل کلامی بر فضای مکتب فقهی حله دارد. البته باید عوامل علمی دیگری مانند تنوع آراء فقهی، تبادل و ارتباط علمی گسترده فقها با یکدیگر، فضای انگیزشی رقابتی با فقه و اصول اهل سنت و رشد امکانات مادی و معنوی (سخت

۱. متوفای پس از ۵۸۰ ق.

افزاری و نرم‌افزاری) علمی در فضای حله را هم در نظر گرفت، اما همچنان مهم‌ترین عامل علمی، همان عقل‌گرایی استدلالی تلقی می‌شود.

- ابن ادریس حلی، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، ج ۱، ص ۶۶، قم ۱۴۱۰-۱۴۱۱.
- ابن الاثیر الکامل فی التاریخ: ۸: ۲۴۵،
- ابن خلکان، وفيات الاعیان، ۲: ۳۳،
- ابن داود حلی، کتاب الرجال، ۱: ۷۲، رجاء محمد جاد حبیب، المحقق الحلی و آراؤه الفقہیہ، ۴۴، التاصیل و التجدید، ص ۱۱۰
- ابن مشهدی، المزار الکبیر، ص ۵۶۶. بحرانی، لؤلؤة البحرین، ص ۲۳۰.
- ابن میثم، میثم، قواعد المرام فی علم الکلام، به کوشش احمد حسینی، قم، ۱۳۹۸ق، طریحی، فخرالدین، ج ۶، ص ۱۷۲، مجمع البحرین، به کوشش احمد حسینی، تهران، مکتبۃ المرتضویۃ
- استرآبادی، الفوائد المدنیۃ، ص ۸۷ و ۸۸.
- افندی اصفهانی، ج ۵، ص ۲۱۶؛ موسوعۃ طبقات الفقهاء، ج ۹، ص ۲۸۴-۲۸۶،
- افندی اصفهانی، ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، ج ۱، ص ۳۶۱.
- امین، اعیان الشیعۃ، ۴۰۶ق، ج ۴، ص ۸۹
- امین، دائرۃ المعارف الاسلامیۃ الشیعۃ، ج ۱۱، صص ۱۵۶ و ۱۵۷.
- آقا بزرگ طهرانی، طبقات اعلام الشیعہ، القرن السابع، ص ۱۶۲.
- آقابزرگ تهرانی، الذریعۃ الی تصانیف الشیعہ، ۱۸: ۶۰
- بلاسم عزیز شیبیب، الجهد الاصولی عند العلامة الحلی، ۳۵، التاصیل و التجدید، ص ۱۱۴
- بهبهانی، الفوائد الحائریۃ، ج ۱، ص ۱۴۷ ۱۴۸.
- التاصیل و التجدید ص ۱۰۲، حسم الحکیم، مدرسۃ الحلۃ العلمیۃ، ص ۳۸
- جبار کاظم ملا، التاصیل و التجدید فی المدرسۃ الحلۃ، ص ۹۳-۹۷
- جبرئیلی، سیر تطور کلام شیعہ، صص ۲۷۹-۲۸۹، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۵ ش.
- جوادی، ۱۳۸۴: ۱۴۱-۱۸۵، افندی اصفهانی عبداللہ، ریاض العلماء، ج ۲، ص ۱۵۸، به کوشش احمد حسینی، قم، ۱۳۶۲ ش، ۱۴۰۱ق/۱۹۸۱م
- حسن الحکیم، مدرسۃ الحلۃ العلمیۃ، ص ۱۷۷-۱۷۹، بلاسم عزیز شیبیب، الجهد الاصولی عند العلامة الحلی، ۳۹۳
- حسین پوری، امین، (۱۳۹۰) جریان های فکری مدرسۃ کلامی حلہ ص ۱۱
- حلی، قسم ۱، ص ۱۰۸-۱۱۲
- حموی، معجم البلدان، ج ۲، صص ۳۲۷-۳۲۸.
- خوانساری، روضات الجنات: ج ۲: ۲۷۰
- الخوانساری، روضات الجنات، ج ۲ ص ۱۸۰.
- الدجیلی، الاعلام العرب فی العلوم و الفنون؛ ج ۲، ص ۳۳.
- سبحانی (۱۳۹۴) اندیشه شناسی محدثن حلہ، ۳۰-۳۱، قم: دارالحدیث، سلسله نشست های تاریخ کلام امامیه
- سید بن طاووس، ۱۴۱۷ق: ۵۹، سید بن طاووس، کشف المحجۃ لثمرۃ المهجه، ج ۱، ص ۱۰ - ۳۳
- شیخ عباس قمی، الفوائد الرضویۃ، ۲۲۷،

- شیخ یوسف بحرانی، لؤلؤة البحرين، ٢٢٦،
- طباطبایی، سید عبدالعزیز، معجم اعلام الشیعه، ١٤١٧ق، ١:١٧٤ق: مؤسسه آل البيت
عبدالرضا عوض، الحلة و حکامها، ٣٤،
- عبدالله افندی، ریاض العلماء ١: ٣٦٠، التاصیل التجدید، ص ١١٨،
- عبدالله سودانی، الشعر العربی فی ظل الأمانة المزیدیة (٤٠٣ - ٥٤٥ق، منشورات جامعه بابل، ١٩٩٩م: ٦٣
علامه حلّی، کشف القناع، ص ١٣. محقق کرکی، جامع المقاصد، ج ١٢، ص ٦٥.
- عوض، عبدالرضا، الحوزة العلمية الحلة نشأتها و انکماشها، ص ٢٩، ر.ک: حلّی، قسم ١، ص ١٠٠-١٠٨
عیسی الحکیم، مدرسه الحلة العلمية و دورها فی حركة التاصیل المعرفی، ص ٢٠-٢٥.
- فاضل مقداد، التنقیح الرائع، مقدمه، ص ٣٢.
- گرجی، تاریخ فقه و فقها، صص ٢٢٧-٢٢٩. مؤسسه سمت، تهران، ١٤٢١ هـ.
- مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ١٠٤، ص ٦٨ (علامه حلّی الاجازة الكبيرة، ج ٢ ص ٤٥)
محسن امین عاملی، أعیان الشیعه، ١٧١:٣٧،
- محقق ثانی، علی بن حسین، جامع المقاصد، ج ١، ص ٢١، مؤسسه آل البيت (علیهم السّلام)، قم.
محقق حلّی، شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، ج ١ ص ٩.
- محمد باقر صدر، المعالم الجدیة للاصول، ص ٧٢ و حسن الحکیم، مدرسه الحلة العلمية، ص ٤٠
محمد هلیل الجابری، المشعثون، ٣٩، حسن الحکیم، مدرسه الحلة العلمية الحلة، ٣٥٠، التاصیل و التجدید، ١٢٦
محمدباقر خوانساری، روضات الجنات، ٦: ٣٧٧،
- مهدوی راد، محمدعلی، تطور فقه شیعه و جایگاه سرائر در آن، ج ١، ص ٢٣-٢٤،
- میرزای قمی، قوانین الاصول، ج ١، ص ١٦٨ ج ٢، ص ٨٥ حکیم، الاصول العامة للفقه المقارن، ج ١، ص ٣٠١.
وندنوروز، علل ورود تنقیح مناط به مذهب امامیه، مجله بیک نور، شماره ٢١، زمستان ١٣٨٦ ش.
- یاقوت حموی، مجمع الادباء، ج ١٧، ص ٢٦٤،
- یوسف کرکش، تاریخ الحلة ج ٢ ص ٨